

عقدہ حقارت

« ۳ »

## تبعیض در میان فرزندان خطرناک است

اعدلو بین اولاد کم کما

تحبون ان یعدلوا بینکم

(ار پیغمبر اکرم)

بین فرزندان خود مساوات رفتار  
نمائید همانطور که ما باید فرزندان  
شما و مردم ، بین شما بادل رفتار  
کنند .

خود خواهی

وضع استثنائی

خود خواهی

در برخی از خانواده‌ها گاه دیده می‌شود که سرپرست خانه سعی می‌کند تا حدود فراوانی از برای زندگی از نظر خوراک و پوشاک برخوردار باشد ولی اهتمام و توجهی به حقوق همسر و فرزندان خود ، بذول نمیدارد ، کودکان او چون اسیرانی هستند که در برابر زور و قلدری خانواده سرد و خشک است ؛ هیچ نوع عاطفه و محبتی در چنین کانونی وجود ندارد ، رابطه افراد جمال و اثر بروز کوچکترین جریانی ، بوقوع می‌پیوندد ، افراد خانواده خود بخوبی می‌دانند که پیدایش موضوعات جزئی ، بی‌اثره بیش نبوده ، و عامل اصلی این نوع کشمکش‌ها ، همان سخت‌گیری‌ها و تبعیضات زندگی است .

در چنین شرایطی است که در برخی از خانواده‌ها ؛ فرزندان در اثر اشتباه و کوتنگی اسباب ، از محیط سرد و غم افرای خانه فرار کرده سعی می‌کنند چرخ‌های زندگی را خودشان بگردانند و آورند ، و از میان همین عده است که برخی دچار انحرافات و شکست‌های جبران ناپذیری می‌گردند . در روایات اسلامی وارد شده است که خداوند مردی را که می‌تواند در محیط خانواده مساوات را توسعه دهد ، و از انجام آن خودداری می‌کند ، دوست ندارد ؛ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : **لیس منامن و سع علیه ثم قتر علی عیاله (۱)** آنکه بر خانواده خویش سخت

(۱) مستدرک جلد دوم ص ۶۴۳

می گیرد با ما پیوستگی معنوی نخواهد داشت

زندگی در چنین محیط‌هایی بقدری دشوار و رقت بار است که گاهی ، دیگران از آن طرز زندگی ناراحت شده زبان اعتراض بازمی کنند ، اینگونه کودکان گرفتار عقده حقارت بوده از این رهگذر ، مشکلاتی فراراضشان بوجود خواهد آمد .

امتیازات نابجا

در برخی دیگر از خانواده‌ها وضع استثنائی وجود دارد ؛ یعنی از فرزندان دارای موقعیت خاصی بوده ، از امتیازات فرادانی برخوردار میباشند ، در پوشیدن لباس و خوردن و انجام خواسته‌ها ؛ و راه پیشرفت و تکامل ، با صلاح حق و توفیق دارند ، هر چه خواستند فوراً انجام می گیرد ، و هیچگاه باری بر دوش آنان نبوده نیست ، در عوض سایر فرزندان این خانواده ؛ در تمام شؤون زندگی دچار یک نوع محرومیت بوده ، و مشکلات خانوادگی ، بر دوش آنان قرار داده ، شاید برخی از اولیاء نادانسته چنین زمین‌ترا فراموشی و بی‌توجهی بطور غیر آگاه با بر از علاقه و محبت فرادان بکسی از فرزندان خود را نفی تر بیت کنند ، هر چه او میخواهد برایش فراهم میسازند ؛ بدون اینکه خواسته‌های او را تبدیل کنند کوچکترین ناراحتی اینگونه فرزندان ، بر ای اولیاء گران تمام شده ، سعی کنند بهر قیمتی شده آنرا بر طرف نمایند .

فرزندان دیگر خانواده ، احساس می کنند که دچار یک نوع تبعیضات تربیتی میباشند ، و همین جریان سبب میگردد که رابطه فرزندان با یکدیگر تیره و تار گردد ، و حال آنکه اگر همه بقدر کافی و صحیح از محبت اولیاء برخوردار میشوند ، هرگز نابسانانی‌های خانوادگی ، و ضرب‌های روحی متوجه آنان نمیدند .

اولین زبانی که در این نوع تربیت‌های غلط بوجود میاید ، دشمنی و کینه توزی است که در میان افراد خانواده تحقق پیدا می کند و در نتیجه بجای آرامش و عدالت و خط و نشان کشیدن میان‌شان رواج پیدا می کند .

این مشکل در خانواده‌هایی که برادران و خواهران نازنی وجود دارند ، بیشتر چشم‌پوش خود و هر قدر اولیاء کوشش کنند ، با عهده که هیچ نوع تبعیض و تفاوتی میان فرزندان قائل نبوند ، ولی اینها گاهی بملی خیال و توهم تبعیض ، کانون آسایش آنان را متزلزل میسازد .

فرزندان به‌توب (ع) بر اساس همین توهم غلط احساس حقارت نموده خیال میکردند که پدرشان یوسف را بیشتر از دیگران مورد توجه و لطف خود قرار داده است (۶) و قرآن کریم داستان‌شان را اینچنین حکایت می کند ،

انزلوا ل یوسف واخوه حبالی ایما منا ونحن نعصبه ان اسائنا لى ضلال مبین

(۱) ناکفته پداس که لطف و مهر فوق‌العاده بقوت پیغمبر (ع) باعتبار ملکات و فضائل یوسف برده است . بعلاد ، او کودک خردسالی بود و احتیاج بحسایت بیشتری داشت

برادران یوسف گفتند یوسف و برادرش بنیامین پیش پدرمان از ما عزیزتر است همانا پدرمان سخت دوستشاه است .

دومین زبان جبران ناپذیری که متوجه اینگونه کودکان میگردد اینست که اصولاً چنین کودکی وقتی از خانه قدم بیرون نهاده بجهان بزرگتری (صحنه زندگی) وارد میشود به بزرگترین اشتباهات تربیتی خود واقف میگردد چه بسا از بلوغ اینگونه کودکان گمان می کنند و در زندگی اجتماعی هم عزیز در دانه هستند و با یکدیگر توقعات ناروا بزندگی اجتماعی قدم می گذارند ، تا فل از اینکه واقفیت کاملاً بر عکس این توهم و خیال است ، چه محیط زندگی محل بی بند و باری و حاکم ناز پروردگمان نبوده داد باید زندگی را با اراده و شهامت ذاتی استقبال کند .

درست همانطور که یک گل ناز پرورده خانگی در مقابل بادهای سخت زمستان تاب مقاومت را ندارد ؛ یک کودک ناز پرورده و عزیز در دانه هم در برابر تا ملایمات زندگی ذره‌ای استقامت از خود نشان نخواهد داد .

و حال آنکه تربیت صحیح عصری سعی می کند که از اول کودک را مرد کار و زندگی بار آورده ، اصول نظم و دیسیپلین را در تمام شؤون زندگی رعایت کنند ، برخی از کشورهای صنعتی تمام سعی و کوششان اینست که از دوران تحصیل ابتدائی بچه‌ها را با یک انضباط سخت و خشکی تربیت کنند تا در آینده افرادی جدی و کار بر با آیند .

زندگی عصری با گذشته تفاوت بسیاری کرده است زندگی ماشینی نیازمند شجاعت و قدرت قوی الزامه است . و بدون برخورداری از خصوصیات روحی هرگز نمیتوان در نبرد زندگی پیروز شد .

کودکی که ناز پرورده باشد ؛ فاقد اتکالی بنفس و استقلال شخصیت است و بطور عادت تا نوبت همیشه چشم نیاز بسوی دیگران دوخته است از این گذشته در سینه پیکار زندگی با کوچکترین تضادی تعادل او بهم خورده از زندگی بیزار خواهد شد .

«آلفرد آدلر» روانشناس معروف زنی را شاهد میآورد بعلت آنکه همسایه‌وی مزاحمت او را فراهم میآورد و پیوند کرات او قوی نمی نهاد و جواب دد با او میداده خود کشی می کند ؛ با این که مزاحمت همسایه بسیار جزئی بوده است تحقیقاتی که این روانشناس نمود دست آورد که این زن از کودکی ناز پرورده و عزیز در دانه بار آمده بوده است ، و هر چه میخواسته در محیط منزل بدون چو و چرا برایش فراهم میشد ؛ از این رو در دنیائی که با جواب‌مندی بدهند ، تاب زندگی را نداشته است .

(۱) - کتاب روح بشر (۱۳۱)